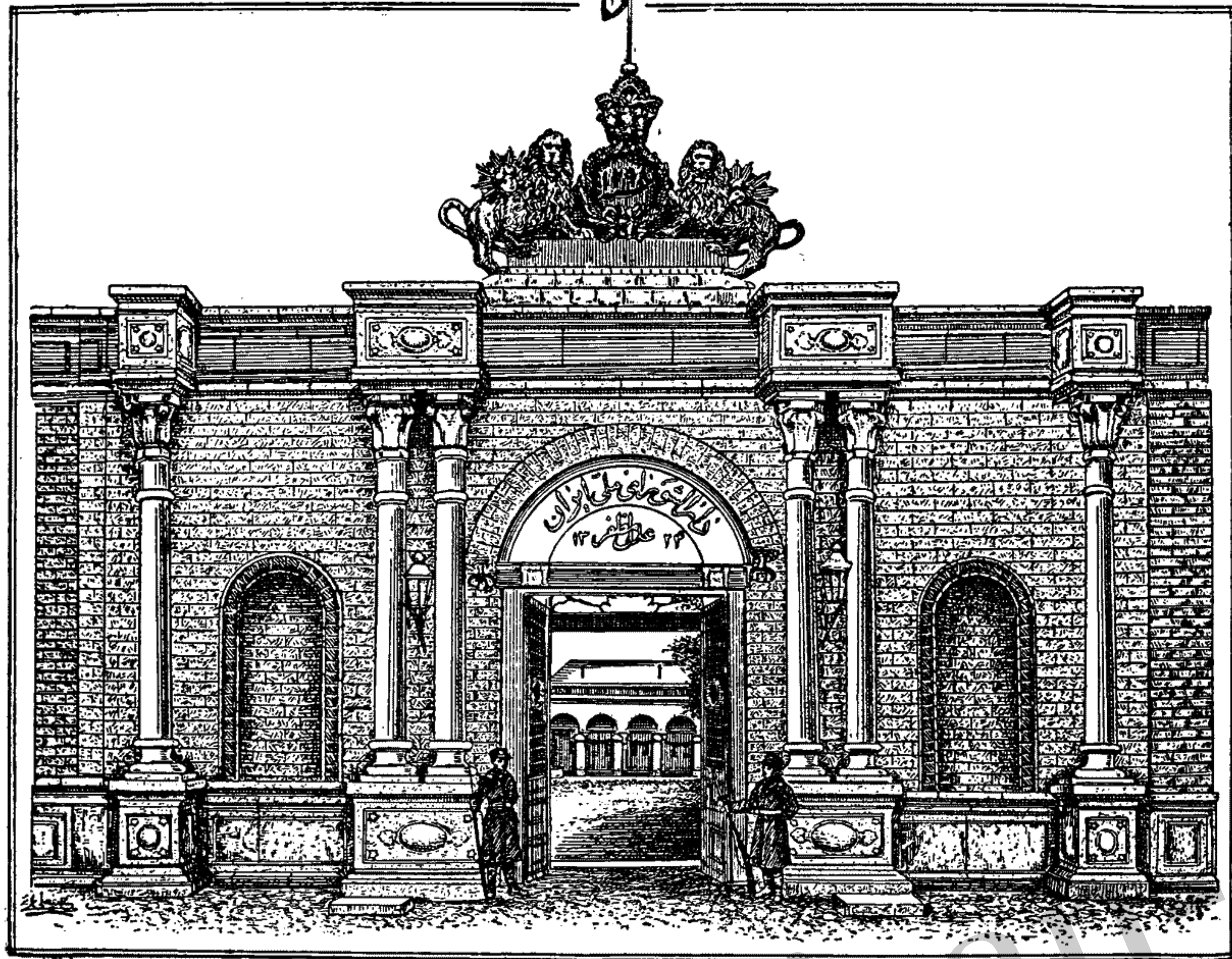


<p>جلسه ۷۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره سی و دوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیلہ پنجشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۳۰۵ مطابق ۶ رمضان ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس لیلہ پنج شنبہ ۱۸ اسفندماه ۱۳۰۵ مطابق ۶ رمضان ۱۳۴۵

جلسہ ۷۳

- (مجلس سه ساعت از شب گذشته بریاست)
 رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد ؟
 (تشکیل گردید .)
 (صورت مجلس لیلہ سه شنبہ شانزدهم اسفندماه را)
 (آقای ضیاء قرائت نمودند)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد .
 (گفتند خیر)

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تقديم طرح اصلاح نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی از طرف آقای شیروانی	۷۷۶	
۲	جواب سؤال آقای شیروانی راجع بقرار داد هواپیمائی بین المللی از طرف آقای وزیر داخله	۷۷۶	۷۷۷
۳	سؤال آقای حائری زاده از آقای وزیر داخله راجع بنقاطی که انتخابات آنجا خاتمه نیافته و جواب آقای وزیر	۷۷۷	۷۷۹
۴	سؤال آقای امامی از آقای وزیر معارف راجع بمعارف خوی و جواب آقای وزیر	۷۷۹	۷۸۱
۵	سؤال آقای زوزار از آقای وزیر داخله راجع به صحیه رشیز	۷۸۰	۷۸۱
۶	سؤال آقای نامداد از آقای وزیر داخله راجع به تقشیش دواهای دواخانه ها و تحدید دوا فروشها	۷۸۱	۷۸۳
۷	تصویب مرخصی آقایان پالیزی - اسعد - رفیع	۷۸۳	۷۸۴
۸	بقیه شور نسبت به لایحه تأسیس بانک (ماده ۱۱ - ۱۲ و مواد الحاقیه)	۷۸۴	۷۹۱
۹	مذاکرات نسبت بنخب کمیسیون بودجه راجع به لایحه تعلیمات عمومی	۷۹۱	۷۹۹

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور بشویم؟

عده از نمایندگان - بلی.

شیروانی - بنده هم يك طرح قانونی است میخواهم تقدیم کنم اجازه میفرمائید؟

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده عرض قبل از دستور ندارم. چند جلسه است يك طرح قانونی که عده زیادی از آقایان نمایندگان محترم آنرا امضاء فرموده اند سهیمه شده میخواهم تقدیم مجلس بکنم، البته آقایان تصدیق میفرمائید گاهی از قبیل همین مذاکره قبل از دستور و انواع پیش آمدهای دیگری که پیش میآید در نتیجه نواقصی است که در نظامنامه داخلی مجلس هست و گاهی گرفتاریهایی ما در مجلس پیدا میکنیم که نظامنامه مان اصلاح نشود این قبیل معایب رفع نمیشود. يك کمیسیون برای اصلاح نظامنامه داخلی مجلس در دوره پنجم تشکیل شد که حضرت آقای رئیس و آقای دکتر مصدق و یکعده دیگر از آقایان نمایندگان در آن کمیسیون تشریف داشتند و مدت سیزده ماه تحت مطالعه و دقت بود اغلب آقایانی که در آن دوره تشریف داشتند آن نظامنامه را که اصلاح شده است ملاحظه فرموده اند. حالا استدعائی که شده است یعنی پیشنهاد شده است این نظامنامه که در دوره پنجم اصلاح شده است و خبرش از کمیسیون تقدیم مجلس شده است مثل يك طرح قانونی به يك کمیسیون مخصوصی احاله شده و پس از تجدید نظر در مرتبه تقدیم مجلس بشود و رفع معایبی که عملاً همه جلسه در نظامنامه میبینیم بشود.

(طرح مزبور را تقدیم مقام ریاست نمودند)

رئیس - آقای وزیر داخله برای جواب سؤال آقای

شیروانی که در جلسه قبل شد حاضرند

وزیر داخله - راجع بسؤالی که آقای شیروانی در

جلسه گذشته راجع بمسئله هواپیمائی کرده اند و عرض کردم در جلسه آتی جواب عرض میکنم حالا برای اطلاع آقایان شرح قضیه را عرض میکنم: تقریباً در هشت سال قبل در پاریس کنکره بین المللی هواپیمائی تشکیل شده است در همان وقت دولت ایران را به کنکره مزبور دعوت کرده بودند و عضویت آن کنکره را هم دولت قبول کرد و به وزیر مختار ایران در پاریس نمایندگی داده بود که از طرف دولت در کنکره مزبور حاضر شود و قراردادها که در آن کنکره نوشته شده بود وزیر مختار ایران امضاء کرده. بر طبق مقررات قرار داد مزبور طیارات تمام دولتی که عضویت کنکره را داشتند و مقررات آنرا پذیرفته اند در تحت شرایط معینی مجاز هستند که در هوای ممالک عضو کنکره (در نقطه که معین میشود) طیاران نموده و حمل مسافر و غیره بکنند. هواپیمائی انگلیسی هم که چندی قبل از جنوب عبور نموده بود برای تجربه خط هوایی از مصر به هندوستان بود برای اینکه این خط رسماً افتتاح بشود لازم است قرارداد مزبور به تصویب مجلس مقدس شورای ملی برسد از طرف دولت هم لایحه آن تهیه شده و بزودی تقدیم مجلس خواهد شد و خاطر محترم آقایان مسبوق می شود و آقایان هم پس از ملاحظه مقررات آن تصدیق خواهند فرمود که از نقطه نظر تجارتنی و برای مسافرت این مقررات که در تمام نقاط ممالک مختلفه برقرار و جاری است نتایج کئی داشته و باقیودائی که دارد بهیچوجه مزاحمتی هم با مسائل سیاسی نخواهد داشت

شیروانی - البته همانطور که وزیر محترم داخله اظهار فرمودند این قرارداد بین المللی وقتی امضاء شده است که دولت ایران اصلاً هواپیمائی نداشته است و سؤال بنده هم برای این است که این قبیل کنکرها که در دنیا تشکیل میشود و هر روز دعوت از دولت ایران میشود بدون اینکه يك منافعی در نظر گرفته شود شرکت نکنند و این قبیل مسائل مهم را

هم اگر بخوانند شرکت کنند باید با اجازه مجلس شورای ملی باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) در اینجا هم همانطور که فرمودند عجزاً لایحه آنرا بعد از عمل به مجلس شورای ملی تقدیم میبایند و امیدوارم که در آتی دیگر این قبیل عملیات بدون تصویب مجلس شورای ملی تکرار نشود.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

وزیر مالیه - چند فقره لایحه است برای تقدیم به مجلس: یکی دوسه ماده است راجع به مجازات قچاق گمرکی که بایستی بقانون مجازات عمومی علاوه شود. دیگری لایحه ایست برای استخدام یک نفر مهندس شیمیست. یکی دیگر لایحه ایست از برای دادن شهریه به عیال یک نفر فرانس که در خدمت مالیه تلف شده است. يك لایحه هم از طرف آقای رئیس الوزراء است که تقدیم مجلس میشود و چون خودشان توانستند به مجلس بیایند به بنده دادند که تقدیم کنم.

یک نفر از نمایندگان - راجع به چیست؟

وزیر مالیه - راجع به سالار الدوله است (همه نمایندگان)

رئیس - آقای حائری زاده از آقای وزیر داخله

سؤالی داشتید قبلاً مسبوقشان کرده اید؟

حائری زاده - بلی مسبوق هستند.

رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - بدیهی است این مملکتی که وسائل ارتباطیه صحیحی ندارد افرادی که در بلوچستان زندگان می کنند خیلی کم اتفاق می افتد که با افرادی که در آذربایجان زندگی میکنند هم دیگر املاقات نمایند یکی از نتایجی که مجلس شورای ملی برای مملکت دارد و بدعقیده بنده باید آنرا خیلی مهم بشماریم و نگذاریم که برخلاف مقصود نتیجه حاصل شود آن آمیزشی است که افراد مختلفه که در اطراف این مملکت زندگانی میکنند دو سال بکمرنبه با هم در مجلس

شورای ملی پیدا میکنند. آذربایجان، سیستانی، خراسانی، فارسی، کردستانی، اینها همه اینجا حضور پیدا کنند و با هم آشنا شوند و مرکز را به معنی واقعی و حقیقی صورت رسمیت بهش بدهند. متأسفانه در انتخابات این نظر اصلی اخیراً کم کم دارد ضعیف میشود و درست رعایت نمیشود حالا بنده میخواهم وارد بشوم در اینکه خوب بود بلوچستان را دولت بیشتر درش دقت میکرد و مثل اینکه آقای سید حسنخان بلوچ آمده بود یک نفر از افراد بلوچ میآمد در مجلس حالا اینها قضایائی است که گذشته است و وارد در آن نمی شوم فقط سرحدی را دولت باید بیشتر رعایت کند و انتخاباتش را سریع تر و زود تر عمل کند. مثلاً کردستان مدتی است که انتخاباتش همین طور معطل مانده است در صورتیکه لازم است از کردستان نمایندگانش هر کس هست بیاید به مجلس.

در قسمت گیلان مدتی است کشمکش هست و هیچ جور ختم نمیشود.

گیلان در مجلس بشد (از هر طبقه که باشد) بهتر است از این که نماینده گیلان در مجلس نباشد. چون آقای وزیر داخله را من معتقدم همین شکلی که در مجلس بودند معروف بودند به جدیت و فعالیت میخواستم از شان سؤال کنم که آیا اقدامی فرموده اند که این انتخاباتی که باقی مانده است تسریع بشود و ختم بشود که ما هم همکاران محترم خودمان را که از آن نقاط میایند زود تر زیارت کنیم یا خیر؟

وزیر داخله - انتخابات باقی مانده دوسه نقطه است که هنوز دایرتش به عرض مجلس شورای ملی نرسیده است. از جمله آنها یکی رشت است یکی سراب و گرم رود است....

یک نفر از نمایندگان - نماینده سراب که آمده است

وزیر داخله - اجازه بدهید. یکی هم کردستان است

انتخابات رشت را بنده خودم هم هنوز مجال نکرده ام

که درست در دوسیه و جریاناتش مطالعاتی بکنم و البته بزودی دوسیه مزبور را مراجعه میکنم و اطلاعاتی که باید تحصیل میکنم و انشاالله نتیجه اش را زودتر عملی میکنم که به عرض مجلس شورای ملی برسد. انتخابات سراب يك کشمکشهایی پیدا کرده بود که بالاخره از طرف وزارت داخله مفتش مخصوصی روانه شد و رفت در آنجا و استخراج آراء هم بعمل آمد نماینده آنجا هم معین شده ولی سایر جریاناتش خاتمه نیافته و علتش هم این بود که يك عده از رعایا که شاید يك محرکینی هم داشته اند (وزارت داخله هم درصدد است که با کمال جدیت معلوم کند که محرکین قضیه کبها بوده اند) پس از قرائت آراء آمده بودند و آراء قرائت شده را آتش زده بودند و تصور کرده بودند که شاید ممکن است این مسئله باسناد انتخابات صدمه بزند. اخیراً آن مفتش که از طرف وزارت داخله فرستاده شده بود (وبك اسناد و مدارکی هم شاید پیش او باشد برای اینکه معلوم شود محرکین این قضیه کی بوده است) احضار شده و ناسه چهار روز دیگر خواهد رسید و امیدوارم پس از اقداماتی که شده و میشود يك راپورت مشروحي درین باب بعرض مجلس شورای ملی برسانم.

راجع بانخابات کردستان: بطوریکه خاطر محترم آقایان مسبق است تقریباً در چند ماه قبل در شهر استخراج آراء تمام میشود بعد يك اعتراضاتی از طرف يك عده از اهالی میشود که انتخابات تکمیل نشده است یعنی بموجب قانونی که در دوره پنجم اصلاح شده يك حوزه های فرعی برای انتخابات معین میکنند که میگویند صندوق بانجاها نرفته و انجمن نظار فرستاده اند. از طرف وزارت داخله این اعتراضات بحکومت و بانجمن نظار آنجا تلگراف میشود. انجمن نظار تلگرافاتی میکنند منجمله مستقیماً هم بمجلس شورای ملی تلگراف میکنند و انتخابات آنجا را تمام شده فرض میکنند و عنوانشان هم این است که میگویند در دوره چهارم و پنجم هم انتخابات کردستان بهمین

صورت خاتمه پیدا کرده است. معترضین اظهاراتشان این است که دوره ششم با دوره پنجم فرق دارد برای اینکه در قانون انتخابات یعنی این قانونی که اخیراً اصلاح شده است يك شعب فرعی را معین کرده است که باید حتماً بانجاها صندوق و انجمن برود.

این مطلب را هم انجمن جواب میگوید: اشخاصی که در شعب فرعی بوده اند آمده اند در شهر و رای داده اند. اخیراً بنده يك تلگرافی بحکومت آنجا کردم که بالاخره دولت نمیتواند بیش از این راجع به انتخابات کردستان تأمل کند و بهتر این است زودتر این کار را خاتمه بدهید. انجمن نظار تلگرافی کرده بود که به نمره ۸۵ قضایا را به مجلس شورای ملی عرض کرده ایم ما انتخابات را خاتمه یافته میدانیم و حاضر هم نیستیم که در شعب فرعی صندوق بفرستیم چون اطلاع داریم اشخاصی که در آن شعب هستند همه در شهر رای داده اند. بهر حال قضیه صورت مشکلی بخودش گرفته برای اینکه در قانون میگوید انجمن نظار را وقتی که معین کردند بعد مسؤول صحت جریانات انتخابات انجمن نظار است بحال انجمن نظار کردستان میگوید انتخابات خاتمه یافته است ولی راپورت مأمورین وزارت داخله برخلاف انجمن است و آنها اظهارات معترضین را نباید می کنند. بنده اخیراً یعنی در روز قبل يك تلگراف دیگری به انجمن نظار کردم با تذکر دادن ماده هفدهم قانون انتخابات - یکی هم بحکومت محاربه کردم ولی هنوز جواب تلگراف اخیر بنده نرسیده بمحض اینکه جواب برسد اگر طوری بود که بنده خودم یعنی وزارت داخله توانست قضیه را حل کند که حل میکنیم و خاتمه میدهیم و نماینده آنجا را بمجلس معرفی می کنیم و اگر نتوانستیم و دچار يك اشکالاتی شدیم ناچاریم صورت جریان قضیه را بعرض مجلس شورای ملی برسانیم که هرطور مجلس صلاح میداند و حکمیت میکنند همان قسم رفتار شود

رئیس - آقای وزیر معارف

وزیر معارف - در دوسه روز قبل آقای امامی سؤال کرده بودند راجع بمعارف خوی که از طرف مجلس ببنده نوشته بودند بنده حاضرم برای جواب

رئیس - آقای امامی

میرزا جواد خان (امامی) - تقریباً در یکماه قبل بوسیله تلگرافات عدیده که توسط بنده بمقام مجلس مقدس شورای ملی و هیئت دولت رسیده بود معلوم شد که معامین مدارس کلیه بواسطه نرسیدن حقوق چند ماهه خود دست از کار کشیده و مدارس را تعطیل کرده اند معلوم است تعطیل آقایان معامین چه اثرات سوئی در ولایات سرحدی می بخشد. بنده تلگرافاً از آقایان تقاضا کردم که دست از تعطیل برداشته و مشغول کار خودشان باشند تا بنده بتوسط وزارت معارف اقداماتی کرده و نتیجه را بعرض آنها برسانم پس از مراجعه بوزارت مالیه معلوم شد که حتی حقوق برج بهمین ماه را هم بوزارت معارف بالتام پرداخته اند و معلوم نیست بالاینکه وزارت معارف بالتام بودجه اش از طرف وزارت مالیه پرداخته شده تعویق حقوق چند ماهه معامین خوی به چه علت بوده است. در صورتیکه آنطوریکه بنده تحقیق کرده ام در خوی مدارس جدیدی تشکیل نشده است و بر بودجه معارف آنجا هم اضافه نشده است در این صورت از وزیر محترم معارف تقاضا دارم که معین بفرمایند علت نرسیدن حقوق آنها چه بوده است و بعلاوه چه اقداماتی در این باب فرموده اند.

وزیر معارف - بودجه مدارس خوی از محل عوارضات معارفی پرداخته می شده است. در سال گذشته که عوارض معارفی از طرف مجلس ملتغی شد مالیه در نظر گرفته بود که امساله هم از همان محل عوارض معارفی یعنی بان اندازه که عوارض معارفی داشته است بودجه شان را نامین بکنند و بودجه معارف خوی را ناهشت ماه از سال پرداخته است

بعد مالیه محل به رئیس معارف آذربایجان اطلاع میدهند که بیش از این مقداری که برای این هشت ماه پرداخته شده است دیگر محلی موجود نیست بنابر این آقایان معامین مدارس خوی منتظر نباشند که حقوق چهار ماهه آنها پرداخته خواهد شد در چندی قبل که خبر به بنده رسید بنده این موضوع را تعقیب کردم و شرحی از طرف وزارت معارف بوزارت مالیه نوشته شد که این رویه رویه مطلوبی نبوده است و مقتضی است بهر قسم که هست بودجه معارف خوی را تا آخر سال بپردازند تا این که در چندی قبل از طرف وزارت مالیه شرحی نوشته شد بمالیه آذربایجان که تا آخر هذه السنة حقوق و خرج مدارس خوی را بپردازند و منتظر کسر عوارض و غیره نشوند و سواد این حکمی که وزارت مالیه بآذربایجان بخاربه کرده بود بوزارت معارف رسید و تقریباً در پنج شش روز قبل مفاد حکم وزارت مالیه از طرف وزارت معارف هم به معامین مدارس خوی که شاکتی بوده اند ابلاغ شده است و هم به رئیس معارف آذربایجان بنابر این تصور میکنم در اثر این عملی که وزارت مالیه و معارف کرده اند دیگر جای نگرانی برای آنها بقی نخواهد بود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو هم سؤالی داشتند . . .

بعضی از نمایندگان - دستور. دستور.

رئیس - سؤالات مطابق نظامنامه است نمیشود منع کرد

آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده سؤال راجع بانخابات کردستان بود که آقای حائری زاده فرمودند و مقصود بنده هم حاصل شد منتظر هستیم نتیجه اش را ببینیم.

رئیس - آقای زوار منظور خودتان را به آقای وزیر داخله اطلاع داده اید؟

زوار - بلی عرضی کرده ام.

رئیس - بفرمائید.

زوار - بنده سعی خواهم کرد که سؤال بنده (برای اینکه وقت مجلس تلف نشود) بشکل کنفرانس درنیاید نظر پارادتی که به آقای وزیر داخله دارم میخواهم موضوع سؤال را تغییر داده و برای اینکه مسئله فوق العاده حیاتی است از ایشان استمداد بخوام البته تصدیق میفرمائید که: سلطنت مجلس شورای ملی، مملکت، دولت و بالاخره تمام این تشکیلات که هست برای آسایش ملت است. تشریح دارای شصت هزار نفر سکنه است. کوه سرخ بیست و پنج هزار نفر. بیجستان هم تقریباً پانزده هزار نفر این تقریباً صد هزار نفر میشود اینها تقریباً سالی صد و سی هزار تومان مالیات میدهند. علاوه بر عوارض انحصاری قند و چای و سایر تعدیاتی که نسبت بانها میشود فقط اینها سالی صد و بیست و صد و سی هزار تومان مالیات مستقیم و غیر مستقیم میدهند ولی در مقابل يك نفر طبیب ندارند تقریباً صد و بیست هزار نفر جمعیت تشریح يك نفر طبیب ندارند دیگر محتاج بموضیح زیادی نیست و حال آنها معلوم است که چه خواهد شد! به آقای رئیس کل صحیح عرض کردم فرمودند بودجه کم است بالاخره بنده عرض میکنم اگر بودجه کم است تشریحی چه کار باید بکند؟ بنده عرض میکنم که تشریحی با قزوینی با کاشانی یا با اصفهانی فرق دارد خیر تشریح هم جزو لاینجزای ایران است. تشریحی انتظار دارد باو هم رعایت و کمکی بشود. تشریحی بدولت مالیات میدهد و بهمان اندازه هم میخواهد حق حیات برای خودش قائل شود. ولایتی که صد و سی هزار تومان مالیات مستقیم و غیر مستقیم میدهد انتظار دارد که هیئت دولت احتیاجات آنها را رفع کند. بنده از تمام آقایان نمایندگان سؤال میکنم که يك جمعیت صد و بیست هزار نفری که دارای يك صد و سی هزار تومان مالیات است چه باید بکند در صورتیکه يك نفر طبیب ندارد؟ به آقای وزیر داخله هم عرض کردم فرمودند که در سنه هزار و سیصد و شش يك بودجه رایش معین خواهد شد. بنده میخواهم

عرض کنم که نه سنه هزار و سیصد و شش این يك ماهه را لا اقل تا همین بفرمائید. گذشته که تا همین نشده از حالا از صرفه جوئی تا همین بفرمائید. اگر از صرفه جوئی هم نشد بنده حاضر از حقوق خودم از حق خودم حقوق این يك ماهه را بدهم که بدهند بيك نفر طبیب که برود تشریح و استدعا میکنم آقای وزیر داخله در این قضیه فوق العاده حیاتی يك توجهی بفرمائید که اسباب رضایت صد و سی هزار نفر دعا گو باشد و حیاتشان حفظ شود.

وزیر داخله - اولاً خیلی اسباب تشکر است که آقای زوار نسبت بموکلین خودشان اینطور جدیت دارند و از قسمت اخیر هم بنده مخصوصاً خیلی تشکر میکنم که فرمودند حاضر هستند این قسمت آخر سال را از کیسه قنوت خودشان کمک کنند و صحیه آنجا را برای امسال اداره بفرمائید ولی البته خاطر آقا مسبوق است و خودشان خوب میدانند که با این بودجه خیلی کمی که صحیه داشته است حقیقه تا این اندازه اقداماتی هم که شده اگر درست تحقیق بفرمائید فوق العاده قابل تمجید است و شهید الله پیشرفتی هم که شده در ایامی است که آقای دکتر بهرامی ریاست صحیه را داشته اند (بعضی از نمایندگان صحیح است) اگر بمؤسسات و اقداماتی که ایشان کرده اند مراجعه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود ولی البته باید در مجلس شورای ملی حقایق همیشه گفته شود تا این مبلغ قلیل و این بودجه کمی که برای صحیه است بهیچوجه من الوجوه نمیشود آنطوری که نظر آقایان نمایندگان محترم است صحیه همه نقاط را تا همین کرد بلکه خیلی کمتر از منظور آقایان هم تا همین میشود ولی عجله يك مذاکرانی درین هست و از طرف وزارت مالیه هم این موضوع مساعدت شده است (یعنی مساعدت بوعده هنوز بموقع عمل نرسیده) که يك محل هائی برای صحیه پیش بینی بکنند و امیدوار هستم که این وعده ها عملی شود و امور صحیه در نقاطی که نیست ایجاد و توسعه

پیدا کند و البته نقطه تشریح هم که يك قسمت مهمی است منظور نظر خواهد بود و امیدوارم که در سال آتی برای آنجا هم صحیه و لوازمی که لازم دارند فراهم شده و فرستاده شود ولی برای امسال البته تصدیق خواهید فرمود که بهیچوجه عملی نیست برای اینکه چند روز بیشتر تا آخر سال باقی نمانده و غیر عملی است ولی امیدوارم کمک هائبرا که وعده داده اند عملی کنند و سال آتی برای آنجا و سایر نقاطی که صحیه ندارد موفق بشویم و بتوانیم صحیه بفرستیم و منظور آقا هم تا همین بشود

زوار - عرض کنم که بنده قبلاً بنام موکلین خودم از آقای دکتر بهرامی که حقیقه صحیه مملکت را بطور خیلی خوبی اصلاح کرده اند تشکر میکنم ولی فرمایشات عالی باز موکول بوعده شد بنده عرض میکنم که موکلین بنده ناخوشند آقا. دارند میمیرند.

(خنده نمایندگان)

زوار - بلی در این قبیل مواقع از این خنده ها تصور میکنم از همت مجلس کاسته شود.

(صدای زنگ)

رئیس - شما حق تعرض ندارید حرف خودتان را بزنید.

زوار - بلی. بنده عرض میکنم صد و سی هزار تومان که تشریحی مالیات میدهد باید طبیب هم داشته باشد. شما میفرمائید بودجه با آنجا نمیرسد. و از شما آقایان خواهش میکنم آقا يك ملتی که صد و سی هزار تومان مالیات میدهد باید از بی طبیبی ببرد؟ صد و سی هزار جمعیت بکنفر طبیب ندارد. معذک کله باز عرض کردم که در این سال بنده خودم حاضر هستم تکفل مخارج ایاب بکنفر طبیب (خنده نمایندگان) ببخشید برای ذهاب بکنفر طبیب مخارجش را حاضر بدهم از برای هذه السنه و برای سال هزار و سیصد و شش هم از آقای وزیر داخله خواهش میکنم بوعده برگذار بفرمائید و بالاخره

اگر نخواهند بوعده باشد بنده نمیتوانم بپذیرم و بالاخره همچو خواهم گفت که نمیتوانم تحمل کنم (خنده نمایندگان)

رئیس - (وزیر داخله) برای جواب سؤال آقای بامداد هم حاضرید؟

وزیر داخله - راجع بچه موضوع

بمداد - راجع بدوا فروشها

وزیر داخله - بلی بفرمائید.

بمداد - سؤال بنده از آقای وزیر داخله راجع به گرفتاری است که عموم مردم از دست دوا فروشان دارند. در این شهر با در این مملکت اگر يك بقالی يك روغنی بفروشد يك نخود و لوبیائی بفروشد و روغاش از قناد يك من دو سیر شیره داشته باشد کبیر. حاکم و آژان و بلدیه بلاها بکش در میآورند و اگر بیکدتری نخود و لوبیایش کرد داشته باشد همینطور ولی دوا فروشان هر قدر اجحف و تعدی نمایند حالا بنده که اطلاع ندارم تحقیق و نفتیش و کنترل شده باشد. از چند جهت اینها باعث زحمت شده اند یکی گرفتاری دوا. يك بدخنی مریض ست میبود پیش طبیب يك نسخه میگیرد و میبود پیش آقای دوا فروش دیگر بسته باصاف یا بی باصاف است قیمتش را هر چه میخواهد میگوید و چون التماس فرنگی و غیر مانوس است این بدبخت هم خیال میکند که چون نمی فهمد پس دوا فروش راست میگوید. دیگر بدی و کهنگی دوا است که خود آقای وزیر داخله و رئیس کل صحیه تصدیق دارند که کهنگی دوا چقدر تأثیر در سرعت معالجه دارد. یکی عوضی دادن دوا است طبیب يك نسخه می دهد بعضی از آن دوا ها را دوا فروش ندارد یا دارد گران است او را رد که نمیکند دوا را میدهد و تأثیر نمیکند بعد يك نتایج سوء عجیبی دارد چون امراض مهم نزدیک است. طبیب خیال میکند مرض دیگری است شروع میکند بمعالجه آن مرض. یکی از اعساء که خیلی محل ونوق

همه هست برای بنده نقل کرد که يك دوافروشی آمد پیش من توبه کند حکایت کرد که من يك گناه عظیمی دارم و آن این است که سرمایه کمی داشتم و پنجا و پنج قلم دوا داشتم ولی هرکسی نسخه میآورد از همان ۵۰ قلم دوا میدادم این است که آمده ام پیش تو توبه کنم و حالم بد است و ممکن است بمرم . چیز غریب دیگری که بنده از اطبای حافظ و محترم با نهایت تأثر شنیدم این است که کم کم سفارش میکنند کارخانه که در آنجا دوا را عوضی درست بکنند . آخرین کاری که يك مریضی فی الجمله ماهر و با اطلاع است میکند این است که میگوید يك دوائی بده که بسته فرنگ و نمره فرنگ را داشته باشد . اینها آنجا سفارش میکنند و حالا اگر علنی بگویم يك قسمتش مربوط است بيك عده از دوا فروشهای کلیمی و البته هم در خارج گرفتار آقای دکتر لقمان خواهم شد و باز میگویند فلان يك قسمتش از همین آقایان محترم کلیمی ها هستند و نام و رسم برای بنده نقل کرده اند به آنجا سفارش میکنند سؤال میکنم که آیا در این باب اقدامی کرده اید ؟ يك تفتیشی کرده اید ؟ يك جلو گیری که مردم از این ترتیب خلاص و نجات یابند شده است یا نه ؟

وزیر داخله - خاطر محترم آقایان مسبوق است تا چند سال قبل طب جدید در ایران کمتر رواج داشته و همان اطباء قدیم با همان دوا های معمولی خودمانی گل گاو زبان . شیر خشک و این قبیل چیز ها معالجه میکردند . يك دوا فروشانی که در حقیقت عطار های قدیمی بودند دوا فروش بودند

مدرس - زنها هم آنوقت دوا فروش بودند .

وزیر داخله - هر قدر که طب جدید بیشتر توسعه پیدا کرد آن عطار های قدیمی هم یواش یواش دوا های جدید را زیاده تر خرید و فروش میکردند .

تا چند سال قبل اگر ملاحظه میفرمودید يك قسمت از دکاکین دوا فروشی ادویه قدیمی بود . يك قسمتش

از ادویه جدید از قبیل گنه گنه . آنتی پیرین . و آن چیز هائی که اسمش را میدانید . آنها هم هیچکدام تحصیل نکرده بودند و البته دوا فروش هم که تحصیل نکرده باشد نمیشود زیاد ارزش توقع داشت که چرا فلان دوا را عوضی داده . با دواي کهنه استعمال کرده . با چرا دواي نبربط داده (اگرچه البته باید این نکته را هم عرض کنم که در طهران و بعضی شهرها يك عده دواساز تحصیل کرده مجرب خوب هم بودند که آنها هیچوقت نه دواي کهنه میدادند و دواي اشتباهی هم نمیدادند ولی این البته بطور کلی و عمومی نیست) برای اینکه مدرسه دواسازی نداشتیم مدرسه دواسازی اخیراً تاسیس شده و تا کنون هم پیش از يك دوره شاگرد بیرون نداده است البته نواقصی هم دارد که امیدواریم با جدیت آقای وزیر معارف رفع نواقص این قسمت هم بشود و تکمیل گردد . همچنین آقایان البته مسبوقند که امر دواسازی تا کنون يك قوانین و نظامان نداشته که اگر گران فروخت یا ارزان فروخت یا کهنه بود باید بود چه جور معامله با او بکنند ولی اخیراً در ضمن آن نظامنامه هائی که برایش هم اینجا عرض کردم که صحیح کل حاضر کرده است و عنقریب هم برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میشود يك قسمت هم مربوط بهمین دواسازهاست علاوه بر این صحیح در نظر دارد يك دواخانه خیلی بزرگ مهمی در طهران در تحت نظریه دکتر شیمیست متبحری تاسیس کند که از هر جهت بتواند سرمشق شود برای کلیه دواسازها از حیث خوبی دوا و هم از حیث قیمت و هم از حیث سایر جهات و امیدوارم از سال آتی صحیح موفق شود که این قدم ها را بردارد ولی اساساً نواقصی در کار هست و همینقدر که ان نظامنامه (که عرض کردم) تهیه شد و تقدیم شد و بتصویب کمیسیون داخله رسید رفع نگرانی کاملاً از این حیث فراهم خواهد شد .

بامداد - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

بامداد - عرض کنم سؤال بنده چند قسمت بود

آقای وزیر داخله یکی دوايش را جواب دادند و آنرا هم موکول کردند باینکه نظامنامه مرتبی نیست و نظامنامه باید بنویسیم در صورتیکه وزارت معارف نظامانی برای اینکار داشت و دوا فروشی که غیر مجاز بود نمیتوانست دواخانه داشته باشد مدتهاست اجازه میگگیرند . فقط بیست و چهار قلم دوا به عطار ها اجازه فروش داده اند تمام دوا فروشان که خدای نکرده مجازند و تمام تصدیق دارند بقال که نظامنامه در این مملکت ندارد . اگر کم فروخت پدرش را در میآوردند خوب اگر نظامنامه ندارند چرا رسیدگی میکنند که اینها انقدر گران نفروشد . این قسمتها وقتی مدرسه دواسازی و نظامنامه تهیه شد درست میشود ؟

وزیر داخله - عرض میکنم جواب سؤال اقاراهه اش را عرض کردم موضوع سؤال راجع به ترتیبی دواخانه ها و کهنگی دواها و گران فروختن بود این را هم که فرمودند يك اجازه هائی در دست دارند همان اجازه ها صحیح نیست يك دواسازی که در مدرسه تحصیل نکرده و دیپلم نگرفته اجازه چه ؟ البته با اجازه داده شده است که این شخص در ضمن تجربیاتی که کرده امروز میتواند دوا فروش بشود . این فرق است با اینکه شیمیست باشد قسمتی را که بنده عرض کردم این بود اشخاصی که از مدرسه بیرون میآیند شیمیست باشند یعنی بتوانند دوا بسازند . دواساز باشند تا دوا فروش باشند خیلی فرق است ولی اینکه فرمودند اگر حالا يك تجاوزاتی بشود جلوگیری نمیشود خیر حالا هم جلوگیری میشود بمحض اینکه راهتی برسد جلوگیری میشود و بنده هم سراغ ندارم يك راهتی رسیده باشد و تعقیب نشده باشد

رئیس - آقای دکتر لقمان

دکتر لقمان - در موضوع فرمایش آقای بامداد که فرمودند دوا فروشهای کلیمی این کار را میکنند بنده گمان نمیکم اینطور باشد . جماعت دوا فروش کلیمی با کمال صمیمیت و صحت عمل و درستی دوا فروشی میکنند و

ابداً اینطور که فرمودند نیست ولی اگر در کارخانه يك ترتیبی بشود از طرف کلیمی ها نبوده و آنها با يك صحت عمل تمامی دوا را بفروش میرسانند و اگر باحصائیه دواخانه ها مراجعه کنید يك چنین چیزهائی از دواخانه های کلیمی بیرون نیامده که دواي بد و دوائی که خطرناک باشد بدهند .

جمعی از نمایندگان - دستور .

رئیس - وارد دستور شویم ؟

بعضی از نمایندگان - بلی .

رئیس - سه فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده است قرائت می شود رأی می گیریم بعد وارد دستور می شویم . رایورت مرخصی آقای پالیزی .

(شرح ذیل خوانده شد)

آقای پالیزی نمایندۀ محترم کرمانشاه بری اصلاح و رسیدگی بامورات شخصی تقاضا نموده اند که از تاریخ ۲۵ رمضان الی سه ماه اجازه غیبت و مسافرت بطرف کرمانشاه باشند داده شود کمیسیون عرایض و مرخصی پس از مطالعه و مذاقه در دلایل ایشان عذرشان را موجه دانسته و دو ماهه تصویب مینماید که غایب با اجازه منظور شود .

رئیس - آقایانیکه مرخصی دو ماهه آقای پالیزی را

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . خبر مرخصی آقای اسعد .

(اینطور خوانده شد)

آقای محمد تقی خان اسعد نمایندۀ محترم برای زیارت و تشریف بعقبات مقدسه تقاضای بکماه مرخصی از روز حرکت نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی بابك ماه مرخصی ایشان از تاریخ ۱۸ اسفند - ۵ موافقت نموده اینك خبر آن را تقدیم مینماید .

رئیس - آقایانیکه با مرخصی بکماه آقای اسعد از

هیچدم اسفند موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رایورت مرخصی ده روزه آقای حاج آقا رضا رفیع

(بترتیب ذیل خوانده شد)

آقای حاج آقا رضا رفیع نماینده محترم برای رفع خستگی و قصد زیارت و تشرف بحضرت معصومه سلام الله علیها تقاضای ده روزه مرخصی نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی با تقاضای ایشان از تاریخ ۲۶ اسفند ۵ موافقت نموده و خبر آنرا بعرض مجلس شورای ملی می رساند

رئیس - آقایانیکه با مفاد این خبر موافقت قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. اصلاحاتی که راجع بماده بازده بانک رسیده بود قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ بترتیب ذیل نوشته شود:

نظامنامه تشکیلات داخلی بانک و همچنین نظامنامه مذکوره در ماده (۵) از طرف رئیس بانک تهیه شده با امضای وزارت مالیه بتصویب هیئت وزراء رسیده بموقع اجرا گذاشته میشود (عدل)

رئیس - آقای عدل

میرزا یوسف خان عدل - در جلسه پریشب توضیحات لازم را دادم حالا هم عرض میکنم که اینجا نوشته است: نظامنامه تشکیلات داخلی بانک و همچنین نظامنامه مذکوره در ماده ۵ از طرف وزارت مالیه تهیه شده و پس از تصویب شورای دولتی و هیئت دولت بموقع اجرا گذاشته شود. عرض کردم که اولاً این عبارت يك قدری غلط است (گذاشته شود) (گذاشته خواهد شد) یا (گذاشته میشود) باید بشود. بعلاوه اینکه مینویسند این نظامنامه در وزارت مالیه نوشته

میشود بنده محالفم و عرض من این است که ما سالی دوازده هزار دلار بیک نفر متخصص میدهیم که بیاید و این بانک را اداره کند بعد از آنکه ما متخصص داریم اگر وزارت مالیه این را خودش می توانست اداره کند با از افراد فعلی وزارت مالیه می توانستند این کار را بکنند لازم نبود که از امر يك مستخدم بیاوریم ما این متخصص را میاوریم برای اینکه جزئیات امر را اودخلت بکند. نظامنامه بنویسد منتهی این است که آن نظامنامه مطابق قانون باید بنظر رئیس و وزیر مالیه و هیئت وزراء برسد و بعد از تصویب عملی شود بنده میگویم وقتی که این متخصص آمد اگر يك نظامنامه حاضر را بگذارند جلوی او و بگویند از روی این عمل کن بنده تصور میکنم عملی نباشد. این است که بنده عقیده دارم نظامنامه باید از طرف متخصص بانک نوشته شود و با امضای رئیس مالیه و اعضای هیئت دولت هم برسد.

فهیومی (محرر کمیسیون قوانین مالیه) - در ماده قبل تصویب شد که بکنفر متخصص برای بانک بیاید این متخصص باید کاملاً در تحت نظر وزارت مالیه باشد وزارت مالیه خودش مسؤول است در قانون اختیارات دکتر میلیسپوم ذکر شده است که باید نظامنامه و لوایح قانونی را وزارت مالیه تهیه کند. بدیهی است وقتی که ما مینویسیم که نظامنامه را بایستی وزارت مالیه بنویسد لابد با نظر رئیس کل مالیه و متخصص تهیه میشود ولی در مواد قانون که ما بنظر متخصص و اگذار کنیم همه جا متخصص ذکر کنیم گمان میکنم برخلاف قانون است. مسؤول مجلس و مسؤول اجرای قانون وزیر است. ما باید همیشه در قوانین خودمان وزراء خودمان را مسؤول قرار بدهیم و در قانون هم هست که در لوایح مربوطه وزرا باید مشاوره کنند و لوایح را تهیه نمایند بنا بر این وقتی بنویسیم «وزارت مالیه» بعقیده بنده کافی است حالا بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رای گرفته میشود.

زعیم - مجدداً قرائت شود.

(بمضمون سابق قرائت شد)

رئیس - رأی گرفته میشود بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای طاهری دیگر موضوعی ندارد. با سایر پیشنهادها مراجعه میشود بکمیسیون. ماده دوازده قرائت میشود.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - این قانون از تاریخ تصویب در ظرف شش ماه بموقع اجرا گذاشته میشود و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده همان طور که در ماده بازده عرض کردم نظامنامه که نوشته میشود باید بنظر وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه باشد. اساساً این مطلب چنانکه در مجلس مکرر صحبت شد برای مسائل اقتصادی است که عبارت از تجارت و فلاح و صناعت باشد ما این بانک را تشکیل میدهیم که وزارت فوائد عامه روح ترقی را در ایران ایجاد کند که عبارت از فلاح و تجارت و صناعت باشد. وقتی که مقصود بالذات این شد و مقصود این است چرا نوشته است مأمور اجرا وزیر مالیه است بنده میخواهم از آقای مخبر محترم تقاضا کنم که باینده مساعدت کنند که مأمور اجرا هم وزارت مالیه و هم وزارت فوائد عامه باشند چرا؟ برای خاطر اینست که اگر همان جوری که خودتان ملاحظه فرمودید در وزارت مالیه برای جریان کاریك اشکال تراشی می کنند اگر وزارت فلاح و تجارت درین قسمت با او شریک شد آنوقت تحت نظر و مسؤولیت هر دو اجرا میشود و این نظری که مجلس دارد و تمام ایران متوجه آن

هستند که ترقی تجارت و صناعت باشد تأمین میشود. مثلاً این مساعدتی که ما با کارخانه اصفهان کردیم اطلاع میدهند بقدری برای اشکال تراشی شده است که چه عرض کنم. گمان میکنم درین قسمت نظر این باشد که حتماً در تحت تفتیش مالیه باشد. این بسیار خوب است اما اگر وزارت مالیه و فوائد عامه مأمور اجرای این باشند منافع بیشتری عاید میشود و از این نقطه نظر است که بنده عرض میکنم که منحصر بوزارت مالیه تنها نباشد. مخبر - اینکه در ماده اول ذکر شده است بانک برای فلاح و تجارت و صناعت است اگر بر ابرت وزارت فوائد عامه مراجعه کنید معین کرده است که بانک يك مبلغی برای مؤسسات فلاحی و تجاری باید خرج کند ولی خود بانک داخل درین عمل نمیشود. بانک يك مؤسسه است که دولت پولی در آنجا میگذارد برای اینکه با اطلاع فوائد عامه در مواقعیکه میخواهند اقدام بیک کار عام المنفعه بکنند یعنی از بانک قرض کنند ولی دیگر وزارت فوائد عامه مداخله در کار بانک ندارد اگر يك بانگی میباشد که از روی قانون سهامی شرکتهای تشکیل میشود مداخله تجاری داشت وزارت تجارت میبایستی مداخله کند ولی اصلاً بانک بانک دولتی است. سرمایه سرمایه دولت است بنابراین فقط وزارت مالیه میتواند در بانک نظارت داشته باشد و مأمور اجرا باشد در قسمتهای دیگر که قرض خواهند داد برای کارهای عام المنفعه البته مصرف آلت و جیره با اطلاع و در تحت نظارت و مسؤولیت وزارت فوائد عامه خواهد بود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای گرفته میشود بماده دوازدهم آقایانیکه

ایجاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنج و هشت که مراجعه شده بود بکمیسیون خبرش رسیده است ولی طبع نشده است

اشکالی ندارد قرائت شود؟

بعضی از نمایندگان - خیر مانعی ندارد.

رئیس - قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده پنج - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند با استثنای مواردی که در ماده شش ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا غیر منقول و یا امضای شخص و یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد، شرایط قبول ودیعه بارهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

تبصره - کلیه قروضیکه باعتبار اموال داده میشود نباید از ثبات سرمایه موجود بانک تجاوز نماید

رئیس - آقای بامداد

بامداد - مخالفت بنده باین کلمه این ماده است که در موقعی که شور اولش هم بود همین مخالفت را آورد و پیشنهاد هم دادم و آن امضاء اشخاص و مؤسسات معتبره است البته مادام که کسی عدم اعتبارش معلوم نشده باشد بحکم اسلام، بحکم هر قانونی باید او را معتبر دانست مثلاً باینکه یا اعتبار یا سایر این قبیل مفاهیم در دنیای امروز مادامی که تحت رسمیت نیامده با اهمیت مترتب نیست البته مخبر محترم دفاع خواهند فرمود که امروزه در دنیا وجه نقد خیلی کم است تمام چک است و امضاء و از این قبیل ولی البته هر قانونی بر حسب وضعیت همان مملکت تدوین میشود. در مملکت ما اعتبارات هنوز در تحت رسمیت نیامده است باین شخصی خیلی معتبر است و معروف هم هست که چنین است، چنان است، میلیونها است، سالی صد هزار تومان عایدات ملک دارد، ولی اعتبارش تحت رسمیت نیامده و دولت تصدیق نکرده است، در مملکت مارسمیت

اعتبار هنوز جریان پیدا نکرده است، چنانکه باینکه ملک مادامی که ثبت اسناد نرسیده باشد و دولت تصدیق نکرده باشد ملکیت او برای صاحبش در معرض هزار گزند و خطرو این قبیل چیزهاست، این مؤسسه بانگی را که میخواهیم تاسیس کنیم باینکه مؤسسه حیاتی برای مملکت است، ما اگر هر قدر دائره اش را ضیق بکنیم که بماند بهتر از این تسهیلات است که خدای نکرده لطمه باصلش وارد شود مانند این بانک با اینکه باین مرحله اولی است برای ما حیاتی است اگر برود حقیقه لطمه با بروی ما میزند، بنا بر این اگر ما امضاء ضامن معتبر را اینجا حذف کنیم ضرری ندارد. بجزبان که افتاد بعد از باین مدتی قانون است. دست خود مان است میآیند میگویند الحدیث اعتبارات هم معلوم شده، قضایا هم رسمی است اگر امضاء معتبر را قبول کنند اهمیت ندارد، باین لایحه میآورند و امضای ضامن معتبر را هم قبول میکنیم ولی فعلاً ما هر قدر در ضبط این مؤسسه سعی بکنیم بهتر از این است که تسهیلی بنمائیم که خدای نخواستہ خطر باصلش متوجه شود:

رئیس - آقای حائری زاده پیشنهاد کرده اند که

این خبر طبع و توزیع شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - پس مواد الحاقیه قرائت میشود.

آقا سید یعقوب - ماده هشت.

رئیس - ماده هشت هم همین صورت را دارد. ماده

الحاقیه پیشنهادی آقای احتشام زاده

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - دولت مکلف است پس از یکسال از

تاریخ تاسیس بانک کلیه وجوه ودایع خود را از بانکهای دیگر باین بانک ملی منتقل نماید.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرض میکنم این قضیه خیلی بدیهی و مسلم است تا موقعیکه دولت ایران بانک نداشت البته استفاده هائی که ممکن بود از وجوه ودایع بشود نمیشد. امروز دولت ایران باینکه ودایع دارد در بانکهای خارجی و بانکهای خارجی باینکه استفاده هائی از آن میکنند و دولت هم باینکه استفاده هائی جزئی میکنند بنده معتقدم این قبیل استفاده ها را پس از تاسیس بانک ملی ایران باید این بانک بکنند. استفاده هائی که میکنند چند قسم است ولی باینکه مبلغ خیلی قلیلی بعنوان منافع بدولت میدهند در صورتیکه باینکه منافع خیلی زیادتری از این وجوه میبرند مطابق حساب جاری که در بین هست آن پولی را که میگیرند باینکه نریز که منفعت میدهند و در مقابل آن پولی که میدهند باینکه منفعت زیادی میگیرند و از این جهت دولت از این وجه باینکه منفعت خیلی کمی میبرد باین جهت بنده معتقدم پس از اینکه بانک تاسیس شد و بجزبان افتاد و اطمینان پیدا کردیم که بانک میتواند از آن وجوه استفاده کند آن وقت باید دولت مکلف باشد که این وجوه را باینجا منتقل نماید

مخبر - اصل مطلب مخالفتی ندارد و مسلماً وقتی بانک

بجزبان افتاد و داخل معامله شد باید دولت هم معاملاتش با این بانک بشود اعم از وجوه ودایع یا سایر وجوه دیگر.

لیکن باینکه سالی را که معین کرده اند ابتدا کافی برای این کار نیست. زیرا شاه پدش بینی شده برای آنکه بانک تاسیس شود تا رئیس بانک و متخصص اینکار بیاید اقداماتی که برای مقدمات بانک لازم است تهیه کنند و بانک را باز کنند از شش ماهم تجاوز خواهد کرد وجوه عجله کم یا زیاد بالاخره باینکه منافع بدولت میدهد و تا وقتی که بانک بتواند آن وجوه را در جریان بیندازد و منافع بدولت بدهد و وسائل تامین و نگاهداری آن را معین کند صلاح نیست اینکار را بکنیم بنا برین بنده تعیین یک سال را غیر کافی میدانم ولی فقط بدون تعیین

مدت در ضمن باینکه ماده ذکر کنند بهتر است.

احتشام زاده - بنده یکسال را دو سال پیشنهاد میکنم.

وزیر مالیه - بنده آن روز باینکه توضیحاتی بعضی از آقایان که این نظر را داشتند عرض کرده بودم حالا هم لازم میدانم که بطور کلی و بدون اینکه دخل در جریانش شده باشم باینکه تذکری بدهم که این ودایع که در بانک هست البته نباید بدون نتیجه برای دولت باشد ولی باینکه بانک جدیدی که تاسیس میشود. بدیهی است نمیتوان پیش بینی کرد که این بانک باینکه بصرفی میتواند پیدا کند که باینکه ودایع مهمی که پیش او هست بکار بیندازد بطوریکه خسران و ضرری اصولاً از بکار انداختن این وجوه عاید نشود. پس اگر آقایان این نظر را داشته باشند در حقیقت لازمه اش این خواهد شد که این ودایع در این بانک بکار بمانند که از هر نوع طمع مصون باشد و توفیقی که بانک تجربیات گاهی از معاملات بزرگ و مهم تواند پیدا کند هیچ استفاده نمی تواند بکنند. اگر مقید باین باشد که این وجوه را در بانک محلی بطور را که نگاهدارد که از هرگونه خطر احتمالی آن وجوه مصون باشد البته بنده یقین دارم که آقایان این نظر را ندارند که باینکه مبلغ مهمی بدون نتیجه در بانک جائی معطل شود و بنده همان طور که عرض کردم عقیده دارم در این لایحه این قسمت را مسکوت بگذاریم. همان طور که آقای بامداد در قسمت اظهار خودشان گفتند این قوانین که از اینجا میگذرد همیشه مورد اصلاح و تکمیل از طرف مجلس و دولت میتواند باشد. این را فعلاً مسکوت بگذارید تا در موقع خودش که چرخها بجزبان افتاد آنوقت هر ترتیبی که مقتضی باشد پیشنهاد بفرمایند.

رئیس - آقای خواجوی.

خواجوی - بانک شاهنشاهی که تقریباً متجاوز از چهل سال است تاسیس شده است

در مملکت ایران قریب بیست سال طول کشید تا شعبش را در ایالات و ولایات تشکیل کرد چنانکه در مازندران سه سال قبل شعبه فرستاد حالا چگونه میشود يك بانگی که جدیداً میخواهد تأسیس شود و هنوز شعبات خودش را تأسیس نکرده و معاملات خودش را جریان نداده تمام وجوه دولتی و ودایع را بگذارند در آنجا؟ اینها تماماً بضرر دولتست و نمیتواند از او استفاده کند بدیهی است بانك وقتی که تمام شعباتش را تأسیس کرد در مملکت و تمام اموراتی را که قانون باو اجازه داده است جریان داد آن وقت میتواند استفاده ببرد و مجلس شورای ملی يك ماده قانون بگذراند و ودایع دولتی را منتقل کند بآنجا و الا پنج سال بعد از تأسیس هم انتقال بدهند به آنجا تماماً ضرر دولت می شود و استفاده از آن برده نمی شود.

رئیس -- رای گرفته میشود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه پیشنهادی آقای احتشامزاده

شیروانی -- يك اصلاحی پیشنهاد شده است.

رئیس -- ایشان ماده را پیشنهاد کرده اند.

احتشام زاده -- بنده خودم اصلاح میکنم، دو سال پس از تأسیس نوشته شود.

رئیس -- رأی میگیریم باین ماده یا تبدیل یکسال

بدو سال اقایانیکه قابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. ضمیمه ماده الحاقیه.

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که این جمله بر ماده الحاقیه اضافه شود

و همچنین باید تمام محاسبات و معاملات جاری دولت

و ادارات بلدییه ها با این بانك باشد. بامداد

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- ودایع يك عنوان است. محاسبات و

معاملات جاری يك عنوان. با اینكه دفاع شاهزاده وزیر مالیه را قبول كنیم که ودایع را نمی توان باین زودی باین بانك سپرد که شاید نتواند آن را بکار بیندازد ولی این قسمت مانعی ندارد و بطریق اولی میشود معاملات جاری دولت و بلدییه ها با این بانك باشد و پول از آنجا بگیرند و قبض و اقباض کنند این هیچ مانعی ندارد وزیر مالیه -- البته این بانك يك بانك دولتی است و خود دولت در آن ذی نفع است و پول باو میدهد و هیچ محل تردید نیست که دولت میخواهد معاملات خودش را باو بکند و کارهایش را بتوسط این بانك انجام بدهد ولی من از آقا سؤال میکنم که آیا منطقی هست که در قانون ما دولت را ملزم کنیم بلدییه ها را که مؤسسات ملی هستند مجبور کنیم که حتماً مثل اینكه هیچ نوع حساب دیگر با جای دیگر نداشته باشند معاملات خود را باین بانك بکنند؟ آخر فکر بفرمائید باید قانون طوری باشد که در عمل دچار اشکال نشود بقابل اجراء باشد این پیشنهاد هم ممکن است مشکلاتی تولید کند بنا بر این این قیود در قانون لازم نیست، دولت عملاً این کار را خواهد کرد.

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد، ماده الحاقیه دیگر

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه -- در هر موقعی که بانك ملی در نتیجه توسعه عملیات بتواند از قبول وجوه ودایع دولت و بکار انداختن آن استفاده نماید و برای دولت نیز استفادات معموله تأمین شود دولت مکلف است که وجوه ودایع خود را کلاً یا جزاً باین بانك ملی ایران منتقل نماید. شریعت زاده.

رئیس -- گو بادبگیر این پیشنهاد مورد نداشته باشد.

مخبر -- ارجاع شود بکمیسیون.

رئیس -- ارجاع میشود بکمیسیون پیشنهاد آقای طاهری (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم.

ماده الحاقیه -- دولت مکلف است پس از تأسیس بانك در مرکز و ایالات وجوه ودایع خود را منتقل باین بانك نماید و همچنین معاملات صرفی از قبیل خرید و فروش بروات برای انتقال وجوه از محلی بمحل دیگر و محاسبات جاریه خود را منحصر با بانك ملی ایران قرار دهد.

رئیس -- آقای طاهری.

دکتر طاهری -- این پیشنهادی که بنده کرده محظوری را که آقای وزیر مالیه اظهار کردند ندارد. بنده پیشنهاد کردم پس از آنکه بانك در مرکز و ایالات شعباتش را دائر کرد آن وقت ودایع دولت منتقل باین بانك شود که محاسبات جاری و معاملات دولت هم منحصر با این بانك باشد تصدیق بفرمائید که در سنه آتی بودجه مملکتی یعنی عایدات دولت که بالغ بر هفتاد و يك کرور است قسمت مهم این وجوه یعنی تمام آن باستثنای يك جزئی که در مرکز است باید از ایالات و ولایات بیاید در مرکز و در يك بانك یا خزانه داری متمرکز پیدا کند خرید و فروش بروات بطور کلی باید با این بانك باشد که يك صرفه کلی از این حیث هم برای دولت و برای قاطبه مردم حاصل شود.

و اینکه فرمودند این بانك فوری نمی تواند دائر شود. پیشنهادی که بنده کرده ام این است که پس از تأسیس شعب این بانك در ایالات و ولایات وجوه ودایع خود را منتقل نماید و معاملات دولت هم با این بانك صورت بگیرد. هر جا که شعبه دارد نماینده تعیین میکند و خرید و فروش بروات بتوسط آن نماینده میشود.

بعقیده بنده بهتر این است که این پیشنهاد قبول شود

چون عملی تر و نافع تر است

رئیس -- قسمت اولش که رای داده شد: راجع

بقسمت ثانی آقای مخبر اظهاری دارند؟

مخبر -- بفرستید بکمیسیون مطالعه شود راجع بهمان ماده ایست که پیشنهاد شد.

رئیس -- ماده دیگر پیشنهاد آقای افشار

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ذیل را بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد میکنم: ماده الحاقیه -- دولت مکلف است در هر نقطه که شعب بانك دائر شد کلیه عواید مالیات را تحویل شعبه مزبوره نموده و مصارف دوائر محلی را نیز از طریق مذکور حواله و پرداخت نماید

رئیس -- آقای افشار

افشار -- بطوری که خاطر محترم آقایان مستحضراست فعلاً وزارت مالیه در هر نقطه عواید دولتی را مأخوذ میدارد بشعبه بانك تحویل میدهد و شعبه بانك فقط تلگرافی بداره مرکزی میکند که در فلان نقطه فلان مبلغ مأخوذ شد و مخارج محلی را بوسیله پیشکار مالیه در همان محلی که تأسیس شعب بانك شده است پرداخت مینمایند منزادی که میباید از آن پول دولتی که در محلی است مبالغی صرف میگیرند و مرکز حواله میکنند و در هر جا هم که شعبه بانك نیست بتجار میدهند و با دادن مبلغی صرف در مرکز از نماینده آن تجار میگیرند. وقتی که بانك يك شعبی در ایالات و ولایات پیدا کرد یکی از وظایف این بانك هم پیشرفت امر تجارت است بایستی عواید دولتی در هر محلی که شعبه بانك دائر شد بشعبه همان بانك داده شود و منافعی هم از همان طریق باین بانك پرداخته شود

مخبر -- این ماده هم تقریباً در زمینه همان پیشنهاد آقای دکتر طاهری است. بایستی بکمیسیون بیاید و تکلیفش معلوم شود

رئیس -- پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان ونوق

(بابت مضمون قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را بنده پیشنهاد می‌نمایم
وزارت مالیه مکلف است حتی الامکان اعضاء بانک
ملی را از منتظرین خدمت وزارتخانه‌ها که واجد شرایط لازمه
باشند انتخاب نماید

رئیس - آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده تردیدی داشتم که وزارت مالیه
بانک ملی را یکی از ادارات کشوری تصور خواهد کرد
یا اینکه خیر تصور می‌کند مؤسسه جداگانه ایست. در
صورتیکه قسمت اول مجری باشد یعنی بانک ملی هم جزو
یکی از ادارات کشوری است و مستخدمین بانک هم
مشمول قانون استخدام هستند البته سزاوار این است
که اعضاء دفتری و محاسباتی مطابق نظامی که دارند
از منتظرین خدمتی که واجد آن شرایط هستند استخدام
شوند و اگر چنانچه جزو ادارات کشوری محسوب نشود
باز هم اولی این است از منتظرین خدمت کسانی که
واجد شرایط نظامنامه این بانک هستند و میتوانند در
این بانک بمشغل تحویل داری و محاسباتی و غیر ذلک
مشغول باشند در بانک مشغول خدمت شوند

مخبر - نظر آقای وثوق البته خیلی عالی است. بنده
هم احساسات ایشان را نسبت بمنتظرین خدمت تشکر
می‌کنم لکن این ماده مربوط ببانک نیست. باید يك
ترتیب دیگری فراهم بیاورند که این عمل اجرا شود

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد
آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده
(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - پس از تصویب قانون فروش خالصجات
و جواهرات و پرداخت سرمایه اصلی بانک مبلغ پنج
میلیون سرمایه ابتدائی که بر طبق ماده دوم این قانون

پرداخته میشود قابل استرداد نبوده و باید بر سرمایه
اصلی بانک اضافه شود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - البته آقایان نمایندگان محترم مستحضرد
که برای اینکه کارهای بانک مجریان بیفتد قبل از
فروش خالصجات و جواهرات مجلس شورای ملی اجازه
داده است که يك سرمایه ابتدائی ببانک داده شود و
از این اینطور مفهوم میشود که بعد از پرداخت سرمایه
اصلی ممکن است این مبلغ قابل استرداد باشد از اینجهت
بنده این پیشنهاد را کردم که بالراحه قابل استرداد
نیست و بر سرمایه اصلی بانک افزوده میشود

مخبر - این ماده را هم بکمسیون ارجاع فرمائید

رئیس - آقای مخبر میل دارند تکلیف ماده هشتم هم
معلوم شود. قرائت میشود اگر اشکالی ندارد رأی می‌گیریم
شیروانی - اشکالی ندارد قرائت شود
(شرح ذیل قرائت شد)

ماده هشتم - رئیس بانک هر ششماه یکمرتبه خلاصه
عملیات و اقدامات بانک را بوزارت مالیه راپرت میدهد
و در آخر هر سال خلاصه حساب (بیلان) آن را
منتشر مینماید بعلاوه یکمرتبه مفتش برحسب پیشنهاد وزارت
مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان
امور و معاملات بانک معین میشود

تبصره - وظائف مفتش بموجب تصویب نامه هیئت
وزراء معلوم خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم نسبت بمطرح شدنش
عرض کنم اینجا پنج دقیقه قبل خودتان فرمودید که
آقای حائری زاده پیشنهاد کرده است طبع و توزیع شود
حالا اگر مخالفت با آن مسئله ندارد بنده عراضم را
عرض کنم چون حضرت رئیس که فرمودند مجلس قبول
کرد پنج دقیقه بیشتر بنا شد طبع و توزیع شود. حالا

اگر مخالفت با آن فرمایش و عنوان رأی مجلس نداشته
باشد بنده مخالفتم را عرض کنم

رئیس - بنا شد آن اولی طبع و توزیع شود این را
هم اگر میل دارید همانند تا طبع شود
بعضی از نمایندگان - محتاج نیست

رئیس - حالا اگر مخالف هستید فرمائید

آقا سید یعقوب - عرض می‌کنم يك مسئله در
نظامنامه است که هر چیزی که در مجلس میخواهد شور
شود باید قبلاً طبع و توزیع شود بنده میخواهم اساس
این مسائل کاملاً مراعات شود و ازین نرود و این
عبارت که نوشته شده است (وظیفه مفتش را دید هیئت
وزراء معین کنند) بنده هیچ نمیدانم هیئت وزراء که
عنوان ندارد که وظیفه مفتش را بیان کند. ما که در
قانون مامور کردیم وزارت مالیه را که نظامنامه بنویسد
ابداً عنوان هیئت وزراء در بین نبود حالا آمده اند
و وظیفه مفتش را میگویند هیئت وزراء بنویسد. بنده
مخالفم. باضافه آن قسمت دیگرش را هم چون يك دفعه
قرائت کردند بعضی جاهش بگوتم خورد که شبهه دارم
و اگر مجلس موافقت کند که طبع و توزیع شود بعقیده
بنده بهتر است

رئیس - رأی می‌گیریم باینکه مطرح بشود یا نشود
آقایان که با مطرح شدن موافقت قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. مبادی برای جلسه دیگر
اجازه می‌فرمائید چند دقیقه تنفس داده شود؟
بعضی از نمایندگان - صحیح است
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون معارف واجع بتعلیمات عمومی
جزو دستور است لکن آقای عدل پیشنهاد کرده اند لایحه
خالصجات جزء دستور باشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود در واقع فروش خالصجات
ضمیمه لایحه بانک است یعنی این دو قانون طوری بهم مربوطند
که اگر این تمام شود آنها باید بگذرد که سرمایه
بانک معلوم شود. حالا وضعیت خاصه طوری است
که معطل است و نمیدانند الان چگونه آن را اداره
کنند. اجازه بدهند بفروشند چه بکنند. بنا بر
این بعقیده بنده دید جزء دستور بشود زودتر تکلیفش
معین شود رد شود یا قبول. علی ای حال بنده لازم
میدانم زودتر تکلیف این مسئله معلوم شود.

وزیر معارف - اجازه می‌فرمائید؟ البته بانک
ملی بی سرمایه ممکن نیست تاسیس بشود و جریان
پیدا کند ولی از طرفی هم آقایان باید تصدیق فرمایند
که معارف و مدارس هم بدون پول ممکن نیست راه
بیفتد و اگر چنانچه آقایان موافقت فرمایند با این
لایحه تعلیمات ابتدائی که زودتر تصویب شود ممکن
است وزارت معارف هم زودتر اقدام کند ولی هر قدر
تعویق بیفتد بهمان درجه وزارت معارف هم نمیتواند کار کند
مدرس - ممکن است این در درجه اول باشد بعد
لایحه خالصجات.

عدل - اجازه می‌فرمائید بنده هم موافقت می‌کنم که
لایحه وزارت معارف در درجه اول باشد بعد لایحه
خالصجات مطرح شود.

رئیس - این لایحه بنظر يك شوری میآید اگر آقایان
عقیده دیگری دارند فرمائید. آقای یاسائی

یاسائی - بعقیده بنده این لایحه خرج است و يك
شوری است تمام موادش هم مربوط بخرج است و میبایستی
اصولاً هم رفته باشد بکمسیون بودجه ولی چون کمیسیون
بودجه مواد تنظیم شده کمیسیون معارف را تصدیق کرده
است همان حکم را دارد و لایحه يك شوری است و باید
يك شور شود

رئیس -- در يك شورى بودنش كه مخالى نیست ؟
(گفته شد - خير)

رئیس -- يك شور ميشود . مذاکرات فعلا راجع
بکليات است . آقای آفاسيد يعقوب
آفاسيد يعقوب - بنده مخالفت ندارم .
رئیس -- آقای بيان

مرضى قلى خان بيات - بنده خيلى خوشوقت هستم
كه امشب لايحه تعاليمات عمومى در مجلس مطرح است
و حقيقتاً يكى از آرزو هاى بزرگ ملت ايران اين بوده
كه اين مسئله در مملكت عموميت پيدا كند و در تمام
مملكت تعاليمات عمومى و اجبارى مجرى شود و نظر اينكه
در سنوات سابق آنچه اقدام ميشد در اين قسمت فقط
منحصراً بشهرها و مراكز بود و دهات و قراء از آن بي
بهره بودند و نا بحال هيچ توجهى نشده بود بمعارف
قراء و دهات در دوره پنجم در موقعى كه لايحه ميزى
ماليات املاك اربابى مطرح بود تبصره در مجلس تصويب شد
كه صد نيم عايدات بمصرف معارف و مدارس قراء و دهات
برسد و همينطور كه آقايان ملاحظه فرموده اند عجالتاً
بر روى آن تبصره اين لايحه از طرف دولت پيشنهاد شده
و بمجلس تقديم شده و بنده خوشوقت هستم از اينكه
چون آقای وزير معارف هميشه در اين قسمت يك عشقى
داشته اند و در راه معارف خدمت كرده اند البته در اين
قسمت هم خيلى ساعى خواهند بود كه اين قدم عملى شود
و براي مملكت يك منافع عمده حاصل كند ولى
نقطه نظرى كه بنده داشتم اين بود كه اين لايحه از آن
نظرى كه مجلس داشته قدرى منحرف شده . چون نظرى
را كه مجلس پنجم داشت و آن تبصره كه پيشنهاد شده
بود نظرش اين بود كه اين عايدات چون ردهات تخمىل
ميشود و از دهات گرفته ميشود فقط بمصرف مدارس و
تخصيصات ابتدائى دهات برسد ولى در اين لايحه بگذردى
نوسعه داده شده است اگرچه همانطوريكه عرض كردم

ممكن است تا آقاي وزير معارف هستند باین مصرف برسد
ولى چون يك قدرى موادش كس دارد ممكن است بعدها
از اين مفاد استفاده كنند و آن مصرف را توسعه بدهند
و بيك معارف ديگر اين وجهى را كه مخصوص بتعليمات
ابتدائى شده رسانند بنساز اين بنده در قسمت موادش
نظرياتي كه دارم عرض ميكنم و پيشنهاد ميكنم بهمان
ترتیبى كه نظريه مجلس بوده اين وجه مخصوص بدهات
و تخصيصات ابتدائى دهات باشد و يك قسمت ديگرى كه بنده
مخالفت داشتم اين است كه بموجب قانونى كه براي ميزى
املاك نوشته شده است مدت دو سال بدولت مهلت داده
شده كه در اين مدت دو سال اين قانون را در تمام
مملكت مجرى كند يعنى بعد از دو سال بكلى بايد مالياتى
كه از املاك گرفته ميشود از روى قانون ميزى
باشد و وقتى كه بعد از دو سال تمام ماليات اين
مملكت از روى قانون ميزى گرفته شد البته اين صدى
نيم تمام و كمال وصول خواهد شد اين تقسيمى كه در
اين لايحه كرده اند به پنج قسمت منقسم شده است سال
اول شصت هزار تومان سال دوم صد و شصت هزار
تومان كه ۱۳۰۶ باشد سال سوم كه ۱۳۰۷ باشد
دويست و شصت هزار تومان سال ۱۳۰۸ سيصد و شصت
هزار تومان و سال ۱۳۰۹ پانصد هزار تومان كه در
حقيقت تخمىلى كه براي اين صدى نيم زده شده همان
پانصد هزار توماني است كه در سال ۱۳۰۹ معين كرده
اند يعنى پنجسالى كه گذشته چهار سال او را كمتر
معين كرده اند و در سال پنجم آن مبلغى كه عايد ميشود
تخصيص داده اند براي اين مخارج - نظر اينكه البته
عموم آقايان نمايندگان نظرشان اين است و سعى دارند
كه هر قدر زودتر ممكن است اين تعاليمات ابتدائى و
اجبارى در تمام مملكت عملى شود البته مقتضى نيست
كه در صورتيكه يك وجهى گرفته ميشود دو سه سال
اين وجه بماند و بعد از دو سه سال خرج بشود اگر
چه اين جا نوشته شده كه اگر يك وجهى از آن

سنوات بماند بعد از ۱۳۰۹ بموزارت معارف
بدهند كه خرج كند ولى بنده معتقد نيستم سه سال
اين وجوه جمع شود و بعد از سه سال اگر اضافه دارند
آن اضافه را بمصرف رسانند بلكه عقيدده دارم كه هر
موقعى كه اين وجوهات وصول ميشود در همان سندها
بمصرف خودش برسد و هر قدر ممكن است زودتر اين
مسئله تعاليمات عمومى در تمام مملكت و قراء توسعه
پيدا كند و هر ساعتى كه ممكن بشود اين وجوه وصول
شود بمصرف آن نبايد تاخير شود - اين قسمت تا يك
اندازه بعقيده بنده تاخير در اين مقصود را بواسطه اين
لايحه پيش ميآورد بجهت اينكه در تاريخ دى ۱۳۰۴
قانون ميزى گذشته و مدت اجرائيش دو سال قرار داده
شده كه در واقع دى ۱۳۰۶ منتهى مدتي است كه
دولت در اين مدت ميبايستى عملياتش را بكند و در دى
۱۳۰۶ ميبايستى اين قانون در تمام مملكت اجرا شود
يعنى ماليات ۱۳۰۶ بعقيده بنده بايد مطابق اين قانون
از مردم گرفته شود وقتى كه اين ماليات ۱۳۰۶ را
مطابق اين قانون از مردم بگيرند البته آن وقت از براي
۱۳۰۷ ممكن است دولت آنچه را كه از عايدات صد
نيم وصول شده در جزو بودجه معين كند و همان مبلغ
را بمصرف رسانند براي تأسيسات مقدمان و ابتدائى هم
از حالا تا آخر ۱۳۰۶ كه يكسال مدت دارد ميتواند
هر قدر لازم باشد براي مقدمات اين كار از قبيل تهيه
معلم و ساختن انبيه و انائيه در اين مدت اقدام كند
و در اول ۱۳۰۷ حقيقتاً آنچه را كه از اين ماليات
وصول ميشود آن مبلغ تمام و كمال بمصرف در ۱۳۰۷
دويست و شصت هزار تومان برآورد شده در صورتيكه
در ۱۳۰۹ پانصد هزار تومان دويست و چهل هزار
تومان از اين يول بزمين ميآيد كه بعد از ۱۳۰۹ بدهند
و مصرف شود . از اين نقطه نظر هم بنده مخالفم و معتقدم
اگر چنانچه حالا نتوانند موافقت كنند كه اين مسئله
را اضافه كنيم اين قسمترا كه نوشته شده بعد از ۱۳۰۹

پرداخته شود اينرا تبديل كنيم كه در آخر هر سنه
عايدات آن سنه كه معين شد مازاد آن هر چه
باشد در سنه بعد پرداخته شود كه وزارت معارف
در همان سنه به مصرف رسانند كه اين يول دو سه سال
معطل نماند و مردم هم از اين وجوه بي بهره و بي نصيب
نمانند و اگر چنانچه باينصورت باشد در تقسيمش هم
كان ميكنم خود وزارت معارف دچار اشكال بشود بنا بر
اين اين قسمت همانطور كه عرض كرده كان ميكنم خوب
است اينجا اصلاح شود كه در همان سال هر مبلغ
اضافه پيدا شود در سنه بعد بمصرف معارف رسانند
قسمت ديگرى را هم كه بنده نظر داشتم الغاء آن
تبصره است كه در قانون ماليات ميزى نوشته شده و در
اينجا الغاء شده - بنده آن چه را كه از اين تبصره
مى فهمم بهيچوجه من لوجود دولت را مجبور نميكند كه
عايداتى را كه از هر دهى وصول ميشود در خود آن
ده بمصرف رسانند بلكه مضمون تبصره اين است كه
عايدات هر دهى بايد بمصرف معارف همان ده برسد
اينجا وقتى كه در تبصره مينويسد : عايدات هر دهى بمصرف
معارف آن ده ميرسد - اين عبارت كان نميكنم دولت را
مجبور كند تاينكه در همان ده مدرسه تأسيس كند
و ممكن است همين نظريه را كه حاليه دولت دارد در
سه ده يا چهار ده كه بهلوى هم هستند و نزديك هم هستند
يك مدرسه تأسيس بكنند و آن تبصره هيچ مانع نيست
و دولت ميتواند در چهار يا پنج ده كه اطراف هم هستند
در صورتيكه هر دهى عايدات خودش مكفى براي مدرسه
و معلم نباشد در يك نقطه مدرسه معين نمانند ولى
البته بايد هر کدام از ايندهات باندازه آن سهمى كه
ميدهند استفاده كنند باین جهت الغاى آن تبصره را هم
بنده لازم نميدانم و گمان مى كنم اگر آن تبصره هم
باشد مانع از اين عمل نيست ولى اگر چنانچه آن تبصره
برداشته شود - بنده همانطوريكه عرض كردم البته
ممكن است آقای تدین اين نظريه را تعقيب بفرمايند اما

بعد از ایشان در مواقع دیگری ممکن است سوء استفاده از این ماده بشود و آن نظریه که هست تبدیل شود بیک نظریات دیگری که بالاخره آن نظریه اصلی که تعلیم اجباری و ابتدائی است از بین برود باین جهت بنده عقیده ام این است که آقایان موافقت بفرمایند آن تبصره بحال خودش باقی باشد این حق هم البته بایشان داده میشود که در سه ده چهار ده که مجاور هم هستند يك مدرسه تاسیس کنند یعنی عایدات همان ده را فقط بمصرف معارف آنجا رسانند.

وزیر معارف - از حیث اینکه هر قدر برای تعلیمات ابتدائی پول زیاد تر موجود باشد بنده کمال موافقت را دارم و بصرفه معارف و تعلیمات عمومی مملکت استولی این ترتیب و تقسیمی که در اینجا شده است از نقطه نظر عملی شدن قضیه بوده است و زارتمالیه در نظر گرفته است آن مبلغی را که بطور تحقیق و قطعی میتواند همه سال بدهد این مبلغی است که در اینجا تقسیم بسنوا شده است. وزارتتالیه میگوید من نمی توانم در مقابل يك مخارج قطعی تخمین و تقریب قائل شوم برای اینکه در سنه ۱۳۰۶ که یکصد و شصت هزار تومان معین شد وزارت معارف در مقابل همین صد و شصت هزار تومان مجبور است خرج ایجاد کند و از روی تخمین نمیتواند مدرسه ایجاد کند ممکن است از روی تخمین مالیه فرض کند که در سنه ۱۳۰۶ دوست و پنجاه هزار تومان سیصد هزار تومان ممکن است صدی نیم عایدات میسزی بشود اما بر روی این تخمین که میشود مدرسه ایجاد کرد - بنا بر این میگوید آن میزان مقطوعی که من میتوانم بمدارس و معارف بدهم این است و بعد هم برای اینکه اگر زیاد بیاید صرف سایر مصارف عمومی نشود ماده بعد در این جا تصریح دارد که اگر چنانچه چیزی زیاد آمد بعد از رسیدگی بحساب و آن مالیاتهایی که باید وصول شود و وصول شد البته آن مازاد او را هم بوزارت معارف خواهند داد این دلیل وزارتتالیه

است و از نقطه نظر عمل هم وزارت معارف ناچار موافقت میکنند با این طرز و الا البته میل دارد که از همین امسال سالی يك کروور بدهند اما متأسفانه این عمل نیست چون در اینجا نظر مالیه شرط است یعنی نظر آن کسی که می خواهد پول بپردازد و اما اینکه اظهار کردند عبارت تبصره يك طوری است و محتاج نیست باینکه تفسیر شود بعقیده بنده محتاج به تفسیر است. آن جا که میگوید: عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد. معنایش این است که آن احتیاجات معارفی که هر ده دارد باید عایداتش هم صرف همان جا بشود - معارف طهران وقتی که میگویند عبارت است از آن مدارس و تشکیلات معارفی که باید در این جا درست بشود معارف يك ده هم عبارت است از احتیاجات معارفی که يك ده دارد حالا در موقع عمل ممکن است عوائد این ده برای رفع احتیاجاتش کافی نباشد و در مقابل يك ده دیگری باشد که عایداتش زیاد تر از احتیاجات معارفیش باشد - ظاهر تبصره این است که عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد یعنی اگر عایدات این ده زیاد باشد میشود داد بیک ده دیگر بنا بر این محتاج به تفسیر بوده است و تفسیرش هم همان ماده شش است که میگوید (در صورتیکه صدی نیم مالیات يك ده تکافؤ با تاسیس و نگاهداری مدرسه در آن ده نماید) در این جا وزارت معارف چه باید بکند؟ چندده که نزدیک بهم دیگر باشند وزارت معارف حساب میکنند و از مجموع آن عوائد رفع احتیاجات آن چند ده را میکنند حالا اگر مقصود از تبصره این است که ماده شش عین همین را می گوید بنابراین بجای آن قسمت تبصره این ماده شش در واقع يك تفسیری است که بعد ها سوء تعبیر یا اختلافی در تفسیرش نشود. حالا اگر میفرمائید همین است و محتاج بماده شش نیست ما هم حرفی نداریم ولی مقصود وزارت معارف از نقطه نظر عملی شدن است و اما اینکه فرمودند اینوجوه صرف بعضی چیزها نباید بشود اولاً آقایان تصدیق

میفرمایند که وقتی ماقائل میشویم بتاسیس يك مدرسه باید قائل شویم به لوازمی که برای آن مدرسه قطعاً لازم است از جمله آنها تهیه معلم است. تهیه معلم و دارالمعلمین و تهیه اثاثیه و تهیه بنسا و ساختمان و اینگونه اموریکه مربوط بمدرسه است. مفتش هم از لوازم اینکار است حالا تصور نشود که مفتش عبارت است از يك امری که واقعاً برخلاف مصالح معارفی است. خیر مفتش لازم است نهایت باید از وجود مفتش استفاده کرد والا نمیشود در توی دهات در هر دهی يك مدرسه را سپرد بیک عده بعنوان ناظم و مدیر و معلم و از طرف وزارت معارف هیچ نظارتی نسبت بانها نشود - این يك امر مسلمی است تنها چیزی که آقایان باید مطمئن بشوند این است که لوازم تاسیس يك مدرسه یا لوازم معارف يك ده بایك شهر یا هرچه باشد که هو حقه باشد و سوء استفاده نشود و البته اینها جزو لوازم است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود بشور در مواد آقایان که شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. ماده اول:
(بشرح آتی قرائت شد)

ماده اول - بدولت اجازه داده میشود که از هذه السنه بترتیب ذیل مبالغی که ذکر میشود بمصرف تعلیمات ابتدائی علاوه بر مبالغی که تا کنون بمصرف معارف میرسیده برساند

در ۱۳۰۵ -	۶۰۰۰۰۰	تومان
در ۱۳۰۶ -	۱۶۰۰۰۰	"
در ۱۳۰۷ -	۲۶۰۰۰۰	"
در ۱۳۰۸ -	۳۶۰۰۰۰	"
در ۱۳۰۹ -	۵۰۰۰۰۰	"

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده در قسمت دومش همانطوریکه در کلیات عرض کردم مخالفم و عقیده ام این است که از برای ۱۳۰۷ باید بیشتر معین شود در اینجا آقای وزیر معارف فرمودند يك عایدات تخمینی را نمیشود برایش يك مخارج قطعی معلوم کرد بنده عرض میکنم کلیه بودجه مملکت همین حل را دارد بودجه مملکت را وقتی ملاحظه بفرمائید عبارت از يك عایدات بیش بینی شده است که يك مخارج معینی را در مقابل آن معلوم می کنند مثلاً وزارتتالیه در سنه ۱۳۰۶ عایداتش چهل و هفت کروور و چهار و هشت کروور است آنوقت از روی همان میزان بودجه مملکتی را مینویسند و البته آقایان میدانند که نمایه این جمع و خرج تخمینی است البته در موقع تخمین يك قدری کمتر برآورد می شود ولی نه اینکه يك تخمین پانصد هزار تومان را دوست و شصت هزار تومان برآورد کنند و البته عایدات صد نیم معارف هم سی هزار تومان پنجاه هزار تومان در سال کم و زیاد می شود لهذا چهار ضد و پنجاه هزار تومان برآورد می کنیم - اما اینکه پانصد هزار تومان را دوست و شصت هزار تومان برآورد کنیم بنده نمیدانم زچه نقطه نظر است زیرا عایدات تخمینی فرق نمی کند چه مال وزارت معارف باشد چه مال سایر مؤسسات مملکت باشد همه از روی تخمین است که وزارت مالیه معین می کند بعد هم پرداخته میشود و بنده عقیده ام این است این تخمینی که در اینجا معین شده است خیلی کم است و در سال ۱۳۰۷ از مقداریکه معین شده است خیلی بیشتر می شود این يك قسمت اشکال بنده است که عرض کردم و یکی هم اصلاحی بود که در ماده داشتم که در موقع خودش پیشنهاد آنرا تقدیم می کنم -

بهار (خبر کمیسیون معارف) - آنچه که در کمیسیون راجع به ماده اول ما را متقاعد کرد يك قسمت همان توضیحات بود که آقای وزیر معارف فرمودند و در بادی امر هم این قضیه بنظر صحیح می آید

و شاید در عمل هم صحیح باشد و بعلاوه این قسمت نیز مربوط میشود بنظر خود وزیر اگر وزارت معارف بتواند با وزارت مالیه در این قسمت توافق نظر حاصل کند ما همه با معترض محترم موافق خواهیم بود زیرا باز صرفه معارف است. پس این مسئله قسمت تحویلی و اشکالاتی که در وصولی و لاوصولی مالیاتها پیش میآید اگر قابل حل باشد همه ما موافق هستیم ولی چون وکیل پیشنهاد خرج نمیتواند بکند ما باید این قسمت را بنظر وزیر معارف واگذار کنیم. يك قسمت دیگری هم که تائید در خرج را ایجاد میکند بعقیده بنده مسئله وسعت تشکیلاتی است که ما در این لایحه در نظر داریم ما در کمیسیون تصور کردیم که بر فرض در سال اول تمام این عایدات فرضی با عایدات تخمینی وصول شود وزارت معارف نمیتواند در آن سال بفراخور آن عایدات تشکیلات منظوره را در همه جا بدهد چون معلوم باندازه کافی وجود ندارد و بالاخره نهمیه اینیه و نهمیه محل و نهمیه کتاب از برای تمام مملکت بفراخور آن مالیاتی که وصول میشود و ما در دوره پنجم رأی دادیم کار آسانی نیست علیهذا در هر صورت وقتی نخواهیم مقصودمان را با عمل مقابله کنیم باز بیک تانی و امتداد وقتی ناچار خواهیم شد خاصه با آن قسمتی که در ماده بعد میگوید وزارت مالیه مکلف میشود که در این مدت پنجسال هر اندازه که از بابت مالیاتهای سنون که در آن سنوات مخارج کمتر شده است پس انداز شده بمعارف پرداخت نماید در هر صورت ما ضرر نخواهیم کرد و فعلا هم که اسباب و لوازم نداریم. کتاب نداریم و بالاخره وسائل يك تشکیلات وسیعی در سال اول و دوم برای ما ممکن نیست لهذا اگر يك تانی در کار بشود و يك مطالعه در این کار بشود و این تشکیلات داده شود و ضمناً صدی نیم عایدات مالیاتی هم برای خود ما یعنی برای معارفی که در نظر داریم ذخیره شود بعقیده بنده بهتر

از این است که برای سال اول مبلغ زیادی پیش بینی شود و عملی هم نشود و در صورت عملی شدن و وصول تمام مبلغ هم بنده تردید درم از این است که ما بتوانیم موفق شویم که تمام عایدات صدی نیم را که در سال اول میگیریم در همان سال خرج بکنیم و بنده تصور میکنم بر فرض که این عایدات هم جمع شود در سال اول نمیشود بتوقع خودش خرج کرد و شاید يك مخارج بپهلو شود که بعدها اسباب پیشیان همه تان خواهد شد.

رئیس -- آقای بدماد

بدماد -- بنده در کلیات هم يك عرایضی داشتم که موقع به بنده رسید و فعلاً استفاده میکنم از ماده اول. در این ماده می نویسد: در هذه السنه شصت هزار تومان برای اینکار بدهند. هذه السنه ۱۳۰۵ است که در شرف اتمام است و چند روز دیگر بیشتر باقی مانده و اقدامی هم نشده که وزارت معارف يك تعهداتی کرده باشد که مالیه مجبور باشد بپردازد بنا بر این جزء صرفه جوئی خواهد شد بنده میخواستم عرض کنم که در این باب آیا وزارت معارف اقدامی کرده است که این شصت هزار تومان اضافه شود بر صد و شصت هزار تومان سنه ۱۳۰۶ یا نه؟ و بالاخره این صرفه جوئی باید برای معارف باشد نه برای صندوق دولت.

وزیر معارف -- اولاً این وجوه منحصرأ اختصاص بمعارف دارد ثانیاً خودتان میدانید که مطابق قانون محاسبات عمومی سنه مالیه در آخر خرداد سنه ۱۳۰۶ تمام می شود بنا بر این این شصت هزار تومان که برای امسال تعیین شده است مدت صرفش تا آخر خرداد ۱۳۰۶ است و طبعاً ضمیمه خواهد شد با آن صد و شصت هزار تومان که در ۱۳۰۶ باید مصرف شود.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود.

(شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای مرتضی قلیخان بیات.

اصلاح قسمت اول ماده اول را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید.

ماده اول -- بدوات اجازه داده میشود که در هذه السنه ۱۳۰۵ مبلغاً که بترتیب ذیل ذکر میشود علاوه بر بودجه سابق وزارت معارف بمصرف تعلیمات ابتدائی قراء و دهات برساند.

رئیس -- آقای بیات

بیات -- اینجا در ماده نوشته شده بدوات اجازه داده میشود که در هذه السنه بترتیب ذیل مبلغی که ذکر می شود بمصرف تعلیمات ابتدائی علاوه بر مبلغی که تا کنون بمصرف معارف رسیده برساند. همانطوریکه بنده عرض کردم چون این مالیات را دهات میدهند و از دهات گرفته میشود و نظر مجلس هم این است که در دهات مصرف شود اینجا بکفایتی مصرح نیست و نوشته شده است بمصرف تعلیمات ابتدائی برسد -- و چون این مسئله در اینجا مصرح نیست و ممکن است از دهات نخطی کند و بشهرها برسد بنده عقیده ام این است که در این ماده تصریح کنیم همان نظر بدو که داریم لهذا بنده پیشنهاد کردم که علاوه بر بودجه معارف بمصرف تعلیمات ابتدائی دهات و قراء برسد و البته همانطور که آقای وزیر معارف اظهار کردند نظر خودشان هم غیر از این نیست و نظر آقایان هم تأمین میشود.

مخبر -- اولاً در این لایحه تصریح نکرده است که عایدات معارفی دهات را خرج شهرها کنند و در آن تبصره هم که در دوره پنجم رأی داده شده است در آنجا هم می گوید: صدی نیم از عایدات فوق برای مصرف معارف اختصاص داده میشود ضمناً هم میگوید عایدات هر دهی صرف معارف خود آن ده بشود آنجا هم شهرها را محروم نکرده است در این لایحه هم ما مسلم ننوشتیم و در آن تبصره هم اگر نگاه کنید شهرها را

محروم نکرده است بعلاوه در اینجا یکی از مالیات هائی که صدی نیم مأخوذ میشود از قنواتی است که بمصرف شرب شهرها میرسد. فرض کنید قنواتی که بمصرف شرب میرسد. همینطور يك املاکی است که مالیات با آنها تعلق می گیرد و وصل بشهرها است. این ها را شما صرف نظر می کنید؟ یا عایدات حومه شهرها را که در بعضی نقاط فوق العاده مهم است اینها را اختصاص میدهند بدعوات دور دستی که خود آن ده نیز عایدات دارد؟ چه می کنید؟ لهذا با آن تبصره و با این ماده که در این لایحه ذکر شده است در هیچکدام تصریح نشده است که بدعوات دور شهرها و بشهرها درون دهات بدهند بنا بر این عقیده بنده این است اگر ما این قسمت را همینطور بحال ضمیمه و سکوت بگذاریم و بنظر وزارت معارف واگذار کنیم که بطور طبیعی قضیه جریان پیدا کند بهتر است والا ما اگر نخواهیم تصریح کنیم قضیه را آنوقت نسبت به مالیاتهایی که از شهرها با از حومه شهرها گرفته میشود وزارت معارف دچار اشکال خواهد شد بقی بسته بتوضیح آقای وزیر معارف است.

رئیس -- آقای وزیر معارف.

وزیر معارف -- اولاً چندین دفعه اظهار کردند مالیات را ده میدهد و بنا بر این باید اختصاص داشته باشد. مالیات را ده میدهد. مالیات را مالک ده میدهد. شیروانی -- دست رنج است.

وزیر معارف -- اجازه بدهید آقای. ماده اول تصریح دارد از مالیات املاک آریبائی (بغیر از خالصجات انتقالی که بموجب قانون علیحده مشخص میشود) بطریق ذیل اخذ خواهد شد. اول املاک: از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم صدسه.

دوم -- جنگل و مرتع از عایدات مطلق مالکانه صدده

سوم -- طواحین و آبدنگ از عایدات مطلق مالکانه

صد پنجم

چهارم -- از عایدات قنواتی که بمصرف شرب میرسد

صد پنجم.